

در راه عشق، مرحله‌ی قرب و بُعد نیست

شماره پرسش: ۲۹۴۶۹

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۹/۸/۲۳ ۰۴:۳۲:۵۷

متن پرسش

من در این بادیه صاحب‌نظری می‌جویم که راه گم کرده‌ام و راهبری می‌جویم که از ورق پاره عرفان خبری حاصل نیست که از نهانخانه رندان خبری می‌جویم که مسند و خرقة و سجاده ثمربخش نشد که از گلستان رخ او ثمری می‌جویم که ایمنی نیست در این وادی ایمن ما را که من در این وادی ایمن شجری می‌جویم که ترک میخانه و بُتخانه و مسجد کردم که در ره عشق زخت رهگذری می‌جویم که سفر از هیچ به سوی همه چیزم در پیش که لنگ لنگان روم و همسفری می‌جویم که گفته بودی که ره عشق، ره پُرخطری است که عاشقم من که ره پُرخطری می‌جویم که اندر این دیر کهن ریخته شد بال و پرم که بهر منزلگه خود بال و پری می‌جویم

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! با این علوم رسمی و این عباداتِ عادتی، راهی گشوده نمی‌شود. باید از گلستان رخ او بهره‌ای بیابیم و این در صورتی است که چشم‌اندازِ حضور خود در عالم را حقیقتی بدانیم که از آن دور دورها به ما چشمک می‌زند در عین حال که: «در راه عشق، مرحله‌ی قرب و بُعد نیست».

موفق باشید